

تأثیر تاریخ کاشت بر فیزیولوژی عملکرد ارقام مختلف کلزا در منطقه ورامین

سید محمدرضا احتشامی^{۱*}، آرش تهرانی عارف^۲ و بصیر صمدی^۳

^۱گروه زراعت و اصلاح نباتات، دانشکده کشاورزی، دانشگاه گیلان، ^۲گروه زراعت و اصلاح نباتات، دانشگاه آزاد رودهن،

^۳کارشناس ارشد مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی استان تهران

چکیده:

این تحقیق به منظور بررسی اثر تاریخ کاشت بر عملکرد کمی و کیفی ۵ رقم کلزا در مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی استان تهران در سال زراعی ۸۹-۱۳۸۸ اجرا شد. آزمایش به صورت کرت‌های خرد شده در قالب طرح بلوک‌های کامل تصادفی با ۴ تکرار اجرا گردید. تاریخ کاشت در چهار سطح شامل ۲۰ شهریور، ۵ مهر، ۲۰ مهر (عرف منطقه) و ۵ آبان به عنوان کرت اصلی و ۵ رقم کلزا شامل هایولا ۴۰۱، اکاپی، ساری گل، زرفام و RGS003 در کرت‌های فرعی مورد مقایسه قرار گرفتند. در این آزمایش صفاتی چون تعداد خورجین در ساقه اصلی و فرعی، عملکرد دانه، تعداد دانه در خورجین، وزن هزار دانه، عملکرد بیولوژیک، درصد روغن، عملکرد روغن و شاخص برداشت مورد ارزیابی قرار گرفتند. تاریخ کاشت بر تمامی صفات به جز تعداد خورجین در ساقه فرعی و شاخص برداشت اثر معنی‌داری داشت. اثر رقم نیز بر تمام صفات به جز وزن هزار دانه، شاخص برداشت و تعداد ساقه فرعی معنی‌دار بود. نتایج نشان داد که با تأخیر در کاشت، کلیه صفات به جز تعداد دانه در خورجین به طور معنی‌داری کاهش می‌یابد. در بین ارقام مورد بررسی رقم RGS003 بیشترین و رقم هایولا ۴۰۱ کمترین عملکرد دانه را داشتند. نتایج نشان داد که مناسب‌ترین رقم و تاریخ کاشت در کشت پائیزه کلزا در منطقه ورامین به ترتیب رقم RGS003 و ۲۰ شهریور می‌باشد.

کلمات کلیدی: کلزا، رقم، تاریخ کاشت، عملکرد، روغن

مقدمه:

برنامه‌ریزی بلندمدت و منسجم، با هدف نیل به خودکفایی در تولید روغن خوراکی ضروری است. در سایت وزرات کشاورزی و دانه‌های روغنی آمده است که گیاه کلزا (*Brassica napus* L.) به عنوان یک گیاه مناسب روغنی برای کشت در شرایط آب و هوایی کشور ایران مورد توجه قرار گرفته است. کلزا از بیشترین میزان رشد سالانه در بین روغن‌های گیاهی مهم جهان برخوردار می‌باشد و پس از سویا و نخل روغنی، در جایگاه سوم تولید قرار دارد (Al-Barrak, 2006). ارقام جدید کلزا که از طریق

تجربه‌های تاریخی نشان داده است که وابستگی به واردات مواد غذایی در بلندمدت یکی از مخاطره‌آمیزترین انواع وابستگی می‌باشد. بخش عمده‌ای از درآمدهای ارزی کشور به جای سرمایه‌گذاری و تقویت بنیادهای اقتصادی و تامین امکانات زیربنایی کشور، صرف واردات مواد غذایی می‌شود (ملکوتی، ۱۳۷۹). بیش از ۹۰ درصد مصرف روغن‌های خوراکی مصرفی کشور از طریق واردات تأمین می‌گردد (زاهدی، ۱۳۸۳). از این نظر لزوم

فعالیت آنزیمی ریزجانداران خاک نیز تحت تأثیر تاریخ کاشت کلزا قرار می‌گیرد (Omidi *et al.*, 2008). گزارش شده است که تاریخ کاشت بر عملکرد کلزای بهاره تأثیر بسزائی دارد و بهترین تاریخ کاشت برای غرب کانادا از اواخر مارس تا اواخر آوریل می‌باشد (Pavlista *et al.*, 2010; Pavlista *et al.*, 2011). گزارش‌ها حاکی از آن است که رقم Pf 704 نسبت به هایولا ۴۰۱ و RGS 003 عملکرد بالاتری در اهواز داشت (پورعیسی و همکاران، ۱۳۸۶). بنا بر نتایج فرجی و همکاران (۱۳۸۷) مشخص شد که تأخیر در کاشت، سبب کاهش عملکرد ارقام کلزا می‌گردد. ارقام هایولا ۳۳۰ و هایولا ۴۰۱ دارای بالاترین عملکرد در مشهد بوده‌اند (آروین و عزیزی، ۱۳۸۸). تحقیقات فنائی و همکاران (۱۳۸۷) نیز نشان داد که تاریخ کاشت بر عملکرد و اجزای عملکرد دانه کلزا شامل تعداد خورجین در بوته، تعداد دانه در خورجین و وزن هزار دانه تأثیر معنی‌داری داشت. با توجه به افزایش سطح زیر کشت کلزا در منطقه و همچنین لزوم تعیین بهترین تاریخ کاشت جهت ارقام جدید، انجام چنین طرح‌هایی جهت افزایش آگاهی کارشناسان کشاورزی و کشاورزان منطقه، ضروری به نظر می‌رسد. در راستای بحث‌های انجام شده و با توجه به ضرورت مسئله آزمایشی، این تحقیق با هدف بررسی و مطالعه خصوصیات فنولوژیک ارقام کلزا در تاریخ‌های مختلف کاشت و تعیین مناسب‌ترین تاریخ کاشت از نظر تطبیق این مراحل با شرایط آب و هوائی منطقه و عملکرد نهائی محصول طراحی و انجام شد.

مواد و روش‌ها:

این آزمایش در پاییز سال ۱۳۸۸ در مزرعه تحقیقاتی مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی استان تهران در شهرستان ورامین واقع در عرض جغرافیایی ۳۵ درجه و ۲۱

روش‌های معمولی به‌نژادی و بیوتکنولوژی تولید شده‌اند، منابع جدید یا جایگزینی برای مواد خوراکی، صنعتی یا داروئی به شمار می‌آیند. با توجه به تنوع اقلیمی کشور، دستیابی به اطلاعات جامع‌تر در زمینه صفات زراعی ژنوتیپ‌های تحت بررسی می‌تواند محققان را جهت ارزیابی بهتر این ژنوتیپ‌ها یاری نماید. مهمترین مولفه سازگار با تنوع اقلیمی در زراعت، مسئله تاریخ کاشت است که نسبت به سایر تیمارهای زراعی، بیشترین تأثیر را بر خصوصیات فنولوژیک گیاه زراعی می‌گذارد، در نتیجه با انتخاب تاریخ کاشت مناسب می‌توان بیشترین تطابق را بین روند رشد گیاه و شرایط اقلیمی ایجاد کرد. بنابراین جهت دستیابی به بیشترین عملکرد دانه و روغن، انتخاب تاریخ کاشت مناسب در کلزا از عوامل بسیار مهم است. تاریخ کاشت بر اساس رقم و آب و هوای هر منطقه به طور جداگانه بررسی و تعیین می‌گردد (احمدی، ۱۳۷۸). آزمایشی در خصوص بررسی آثار سطوح مختلف کود نیتروژن و تاریخ کاشت بر عملکرد و اجزای عملکرد کلزا انجام و گزارش شد که احتمالاً افزایش درجه حرارت و تنش آب طی دوره پر شدن دانه، عوامل اصلی کاهش دهنده درصد روغن دانه کلزا در کشت‌های تأخیری هستند (Ozer, 2003). تأخیر در کاشت کلزا موجب می‌شود تا مراحل حساس گلدهی و پر شدن دانه با خشکی و گرمای آخر فصل برخورد کند و در نتیجه عملکرد دانه و روغن، کاهش یابد (Robertson *et al.*, 2004). بنا به مشاهدات Si و Walto (۲۰۰۴) به ازای هر دو هفته تأخیر در کاشت کلزا در استرالیا غربی، حدود ۱/۱ درصد روغن و ۳۰۹ کیلوگرم در هکتار عملکرد دانه کاهش می‌یابد. مطالعات Chen و همکاران (۲۰۰۵) نشان داد که کشت زودتر کلزا سبب فرار گیاه از تنش خشکی و حرارت در مراحل بحرانی رشد گیاه شده و در نتیجه سبب افزایش ماده خشک اندام هوائی، شاخص برداشت و عملکرد دانه گردید. نتایج تحقیقات نشان داده است که

جدول ۱- مشخصات فیزیکی و شیمیایی خاک محل آزمایش

بافت خاک	اسیدینه خاک	مس	روی	منگنز	هدایت الکتریکی ds/m	آهن (ppm)	پتاسیم (ppm)	فسفر (ppm)	نیترژن %	کربن آلی %	%T.N.V
لومی رسی	۷/۱	۱/۳	۰/۸	۱۱/۳	۳/۱	۴/۱	۲۶۰	۱۴/۶	۰/۱	۰/۸۱	۱۵/۵

علف‌کش ترفلان به میزان ۲/۵ لیتر در هکتار قبل از کاشت با خاک مخلوط و استفاده گردید و همچنین از وجین دستی نیز استفاده شد. یک هفته قبل از برداشت، تعداد ۱۰ بوته به طور تصادفی از هر تیمار و با در نظر گرفتن اثر حاشیه‌ای، برداشت شد و صفاتی چون تعداد خورجین در ساقه اصلی و فرعی، تعداد دانه در خورجین، وزن هزار دانه، عملکرد بیولوژیک و شاخص برداشت مورد ارزیابی قرار گرفتند. برداشت، زمانی انجام شد که قسمت انتهایی بوته‌ها زرد و خورجین‌ها خشک و به رنگ زرد کاهی درآمد بودند. رطوبت دانه‌ها در این هنگام، ۲۰ درصد بود. بوته‌های برداشت شده به مدت دو روز در زمین باقی ماندند که در زیر نور آفتاب خشک شدند و رطوبت دانه‌ها به ۱۳ درصد کاهش یافت. سپس بوته‌ها خرمن‌کوبی شدند و کاه و کلش از بذر جدا گردید. در هنگام رسیدگی، ۴ خط وسط هر کرت پس از حذف اثر حاشیه، به عنوان منطقه برداشت نهایی در نظر گرفته و پس از خرمن‌کوبی، عملکرد دانه محاسبه شد. برای تعیین درصد روغن از روش سوکسله در آزمایشگاه دانه‌های روغنی موسسه تحقیقات اصلاح و تهیه نهال و بذر کرج استفاده شد. از حاصل‌ضرب درصد روغن در عملکرد دانه، عملکرد روغن به دست آمد. به منظور تجزیه و تحلیل آماری از برنامه آماری SAS و میانگین‌ها با آزمون دانکن در سطح احتمال ۵ درصد مقایسه شدند.

نتایج و بحث:

تیمار تاریخ کاشت بر تعداد خورجین ساقه اصلی در سطح احتمال ۵ درصد تأثیر معنی‌داری داشت (جدول ۲)، به

دقیقه شمالی و طول جغرافیایی ۵۱ درجه و ۳۸ دقیقه شرقی با ارتفاع ۹۲۷ متر از سطح دریا انجام شد. قبل از کشت نسبت به نمونه‌گیری مرکب خاک از عمق ۰ تا ۳۰ سانتی متری اقدام و جهت تعیین خصوصیات فیزیکی شیمیایی خاک، نمونه به آزمایشگاه شیمی خاک منتقل و خواص فیزیکی و شیمیایی خاک تعیین شدند (جدول ۱). آزمایش به روش کرت‌های خرد شده و در قالب طرح بلوک‌های کامل تصادفی با ۴ تکرار انجام گردید. در کرت‌های اصلی، ۴ تاریخ کاشت (۲۰ شهریور، ۵ مهر، ۲۰ مهر و ۵ آبان) و در کرت‌های فرعی، ارقام (اکاپی، هایولا ۴۰۱، RGS003، ساری‌گل و زرفام) کشت شدند. کرت‌های فرعی شامل ۸ ردیف کاشت با فواصل ۳۰ سانتی‌متر و طول ۵ متر بودند که به صورت ۲ خط بر روی پشته‌های ۶۰ سانتی‌متر و با فاصله روی ردیف ۵ سانتی‌متر کشت گردیدند. عمق کاشت یک سانتیمتر و با دست انجام شد. قبل از شروع کار، درصد جوانه‌زنی بذر کلزا در آزمایشگاه تعیین شد. فاصله بین دو تیمار، یک خط نکاشت و فاصله بین دو تکرار، ۲ متر در نظر گرفته شد. تمامی کودهای مصرفی و پتاسه بر اساس ۱۵۰ کیلوگرم کود فسفات و آمونیوم و ۲۰۰ کیلوگرم کود سولفات دو پتاس و همچنین ثلث کود نیتروژنه بر اساس آزمون خاک به مقدار لازم قبل از کشت مصرف گردید. ۱۳۸ کیلوگرم نیتروژن خالص (۳۰۰ کیلو کود اوره) به صورت ثلث هنگام کاشت و ثلث هنگام خروج از مرحله روزت و شروع ساقه‌دهی و ثلث قبل از شروع گلدهی مورد مصرف قرار گرفت. آبیاری به طور معمول و در مراحل حساس به کمبود آب انجام شد. جهت کنترل علف‌های هرز از

درصد مشاهده شد (جدول ۲) تا جایی که رقم RGS003 با ۳۲۲ عدد، بیشترین تعداد خورجین را داشت (جدول ۴). اثر متقابل تاریخ کشت در رقم نیز در سطح احتمال ۱ درصد معنی‌دار بود و تیمار مربوط به تاریخ کشت اول در رقم RGS003 با ۴۳۵ عدد، بیشترین تعداد خورجین را داشت و کمترین تعداد خورجین در تاریخ کشت چهارم در رقم هایولا با تعداد ۱۱۴ عدد دیده شد (جدول ۵). همچنین مشخص شد که تعداد کل خورجین با عملکرد دانه، عملکرد بیولوژیک و عملکرد روغن همبستگی مثبتی دارد (جدول ۶). عملکرد بذر در تک بوته وابستگی زیادی با تعداد خورجین در بوته دارد. طی مراحل نمو، تعداد خورجین در بوته اکثراً توسط تعداد شاخه‌ها، جوانه‌ها، گل‌ها و خورجین‌های جوان، دسترسی به مواد غذایی و آب و عوامل هورمونی تعیین می‌شود تا پتانسیل نهایی تولید گل و خورجین (Diepenbrock, 2000). محدودیت‌های فیزیولوژیک در طول دوره گلدهی که مرتبط با رشد ضعیف گیاه و توسعه محدود برگ می‌باشند، عرضه مواد پرورده به نوک گل آذین را محدود کرده و باعث محدود شدن ظهور گل آذین می‌شود و از این طریق تعداد خورجین در بوته را کاهش می‌دهد (Evans, 1984). به نظر می‌رسد که مراحل گلدهی و نمو خورجین‌ها در شرایط مناسب محیطی چون درجه حرارت و رطوبت در تاریخ کاشت مناسب واقع شدند و سبب گردید تا تعداد گلچه بیشتری تبدیل به خورجین شوند. بر اساس تحقیقات انجام شده، مدت زمان لازم از کاشت تا گلدهی (رشد رویشی) با عملکرد دانه رابطه مستقیم دارد (Abuzeid and Wilcokson, 1989). به طوری که هر چه این مرحله طولانی‌تر باشد، گیاه از دما و تشعشع قابل دسترس به مدت بیشتری بهره می‌برد و آسیمیلات، بیشتر می‌شود در این صورت گیاه قادر به نگهداری تعداد بیشتری گلچه بوده و از این طریق بر تعداد خورجین در گیاه و در نهایت عملکرد دانه

طوری‌که تاریخ کشت اول با میانگین ۱۲۲ بیشترین تعداد خورجین در ساقه اصلی را داشت و کمترین تعداد خورجین در ساقه اصلی در تاریخ کشت چهارم مشاهده شد (جدول ۳). بین ارقام نیز در سطح احتمال ۵ درصد، اختلاف، معنی‌دار وجود داشت (جدول ۲)، به طوری‌که رقم RGS003 و زرفام در سطح اول و بقیه رقم‌ها در سطح دوم قرار گرفتند (جدول ۴). اثر متقابل تاریخ کشت در رقم نیز در سطح ۵ درصد معنی‌دار بود (جدول ۲). تاریخ کشت اول و رقم RGS003 با میانگین ۱۸۹ عدد خورجین، بیشترین و کمترین تعداد خورجین ساقه اصلی در تاریخ کشت چهارم در رقم هایولا با میانگین ۵۷/۵۰ عدد خورجین بود (جدول ۵). همچنین مشخص شد که تعداد خورجین ساقه اصلی با تعداد کل خورجین همبستگی مثبتی دارد ($r=0.78$) (جدول ۶). نتایج حاصل نشان داد که اختلاف معنی‌داری بین تاریخ کشت‌های مختلف در تعداد خورجین ساقه فرعی نبود، اما بین ارقام و همچنین اثر متقابل تاریخ کشت در رقم در سطح احتمال ۵ درصد اختلاف معنی‌داری وجود داشت (جدول ۲). مقایسه میانگین بین ارقام نشان داد که رقم RGS003 و زرفام بیشترین تعداد خورجین ساقه فرعی را شامل خود کردند (جدول ۴). همچنین تاریخ کشت اول در رقم زرفام با میانگین ۲۷۹ عدد بیشترین تعداد خورجین را نشان داد و کمترین خورجین در تیمار مربوط به تاریخ کشت چهارم در رقم هایولا بود (جدول ۵). تعیین ضریب همبستگی نشان داد که تعداد خورجین ساقه فرعی با تعداد کل خورجین، همبستگی مثبت و معنی‌داری در سطح ۱ درصد داشت ($r=0.94$) (جدول ۶). بین تاریخ کشت‌های مختلف در تعداد کل خورجین، تفاوت معنی‌داری در سطح احتمال ۵ درصد وجود داشت (جدول ۲)، به طوری‌که تاریخ کشت اول با میانگین ۳۲۷ عدد، بیشترین تعداد خورجین را دارا بود (جدول ۳). بین سطوح ارقام نیز اختلاف معنی‌داری در سطح احتمال ۱

جدول ۲: جدول تجزیه واریانس صفات فیزیولوژیک مورد ارزیابی ارقام مختلف کلزا در تاریخ کاشت‌های مختلف

مشخصات	شاخص	عملکرد	تعداد کل	تعداد	تعداد	عملکرد	میزان	وزن هزار دانه	در	عملکرد دانه	درجه آزادی	تکرار
نسبت برداشت (%)	بیولوژیک (kg/ha)	خوردگی	خوردگی	ساقه فرعی	خوردگی	ساقه اصلی	روغنی (%)	دانه (g)	خوردگی	(kg/ha)		تاریخ کاشت
۲۱/۳	۸۲۳۴۸۵۷**	۱۶۵۸۳	۹۸۷۵۲۵	۱۳۷۰۲۳	۹۳۴۳۹۷	۷۰۳۳۸	۷۰/۳	۱۳۳۵	۵۵۱۶۲۰۲۵	۳	۲۰۰۱/۳	
۷/۵	۶۳۳۶۰۸۰۷۱**	۵۹۵۵۵/۹۱*	۲۶۲۲۰۸۷*	۶۸۳۸۱۶**	۶۶۵۲۸۱/۴**	۳۷۱۹۱	۷۰/۷	۹۰/۴	۳۱۱۰۱۹۴۹۱**	۳	۲۰۰۲/۳	
۲۰/۶	۳۹۵۹۱۶/۱	۱۳۶۹۳۷۸	۸۳۶۴۶۲	۶۶۶۱۳۶*	۶۶۴۳۶۳	۷/۶	۷۰/۹	۳/۶	۴۰۳۳۵۱۰	۹	۲۰۰۳/۳	
۴/۲	۲۸۷۸۷۳۷/۲**	۲۲۹۷۶۷۹**	۸۳۵۲۷۹*	۳۷۶۱۳۴*	۱۵۷۸۲۷۵*	۱*	۷۰/۷	۳/۳	۹۳۶۹۲/۶۹*	۴	۲۰۰۴/۳	
۲۰/۹	۴۵۸۰۷۰/۲	۴۲۱۷/۹	۲۲۰۷/۵۱	۱۲۰۷/۰۷	۲۹۶۸/۱۴	۷/۸	۷۰/۴	۱/۴	۱۷۶۶۸۸۲۴	۱۲	۲۰۰۵/۳	
۶۰/۷*	۸۰۶۴۸۳۳/۴*	۱۲۹۵۳۷۹*	۶۹۵۷۳۵*	۲۳۳۷/۳*	۷۱۷۵۳/۸*	۸/۱۶**	۷۰/۷	۱۳/۶۱**	۴۶۷۰۲۶۱۶۶*	۱۲	۲۰۰۶/۳	
۲۸/۵	۲۶۲۷۲۹۷۷	۵۲۱۴/۴۰	۳۳۳۷/۸۹	۱۰۲۹۹/۲	۳۵۰۳/۶	۷/۸	۷۰/۴	۱/۹	۲۱۷۳۵۷/۳	۳۶	۲۰۰۷/۳	
۱۷/۶۸	۱۹/۶۷	۱۶۳۳۲	۲۳/۹۲	۲۰/۹۳	۱۶/۵۴	۱۷/۳	۶/۶۵	۵/۱۲	۱۶/۵۲		صفت تغییرات	

**عدم وجود اختلاف معنی دار

*اختلاف معنی دار

جدول ۳: جدول مقایسه میانگین صفات مورد ارزیابی کلزا در تاریخ کاشت‌های مختلف

تاریخ کاشت	عملکرد دانه	وزن هزار دانه	میزان روغنی (%)	عملکرد روغنی (kg/ha)	خوردگی	در	عملکرد دانه	وزن هزار دانه	میزان روغنی (%)	عملکرد روغنی (kg/ha)
۸۷/۶/۲۰	۳۱۹۸۰	۲/۴۱	۴۱/۲۸	۱۲۹۵	۱۲۷/۲	۲۰۴/۸	۲/۴۱	۲۹/۵	۳۱۹۸	
۸۷/۷/۵	۳۰۲۷	۳/۲۴	۴۰/۴۷	۱۲۱۶	۱۸۴/۴	۱۱۷/۶	۳/۲۴	۲۸/۵	۳۰۲۷	
۸۷/۸/۲۰	۲۷۶۶	۳/۲۸	۴۰/۱۶	۱۱۴۰	۱۷۳/۱	۱۰۷/۱	۳/۲۸	۲۶/۸	۲۷۶۶	
۸۷/۸/۵	۱۲۹۳	۷/۹	۳۸/۲۸	۸۵۷/۵	۷۹/۲	۷۹/۲	۷/۹	۲۶/۵	۱۲۹۳	

میانگین ها به روش آزمون دانکن و در سطح ۵ درصد مقایسه شده اند. میانگین‌های داخل هر ستون که حداقل دارای یک حرف مشترک هستند از نظر آماری اختلاف معنی دار ندارند.

جدول ۴: جدول مقایسه میانگین صفات مورد ارزیابی کلزا در ارقام مختلف

رقم	عملکرد دانه	تعداد دانه	وزن هزار دانه	میزان روغنی (%)	عملکرد روغنی (kg/ha)	خوردگی	عملکرد دانه	وزن هزار دانه	میزان روغنی (%)	عملکرد روغنی (kg/ha)
هاریلا	۲۰۷۱	۲۸۶۹	۳/۳۳	۳۹/۱	۱۳۸۵	۱۳۷/۳	۳/۳۳	۲۸۶۹	۱۳۸۵	
RGSS003	۳۱۶۱	۲۷۱۹	۳/۱۴	۱۲/۹	۱۹۸	۱۲۴/۹	۳/۱۴	۲۷۱۹	۱۹۸	
اکلیپ	۲۶۳۳	۲۵	۳/۲۳	۸/۶	۱۶۶/۴	۸/۶	۳/۲۳	۲۵	۱۶۶/۴	
ساری گل	۲۷۸۳	۲۷/۹	۳/۱۹	۱۰/۷	۱۶۵/۷	۹۷/۴	۳/۱۹	۲۷/۹	۱۰/۷	
زرغام	۲۹۵۹	۲۷/۶۳	۳/۳۵	۴/۱۹	۱۸۶/۳	۱۱۹/۳	۳/۳۵	۲۷/۶۳	۱۱۹/۳	

میانگین ها به روش آزمون دانکن و در سطح ۵ درصد مقایسه شده اند. میانگین‌های داخل هر ستون که حداقل دارای یک حرف مشترک هستند از نظر آماری اختلاف معنی دار ندارند.

جدول ۵: جدول مقایسه میانگین صفات مورد ارزیابی ارقام مختلف کلزا در تاریخ کاشت های متفاوت

شاخص برداشت (%)	صنکورد پیروزپیک (kg/ha)	نماد کل خورجین	نماد خورجین در ساقه فرضی	نماد خورجین در ساقه اصلی	صنکورد روزن (kg/ha)	درصد روزن (%)	نماد دانه در خورجین	صنکورد دانه (kg/ha)	تاریخ کاشت
۳۳/۱۸ abc	۱۱۵۶۰ abcd	۳۳۹/۳bc	۲۸۰abcde	۱۲۰/۵bcd	۱۲۹abcde	۴۱/۱۴ bod	۲۵/۲۵fgh	۳۱۵۵abcd	کاشت اول * مایلولا
۳۴/۸۷ a	۱۳۴۲۰ a	۳۳۵/۳a	۲۷۹/۲a	۱۸۹a	۱۵۲۲a	۴۲/۲ a	۲۵/۲۳i	۳۷۱۵ a	کاشت اول * RGS003
۳۳/۷ ab	۱۲۴۴۰ ab	۳۳۱/bc	۲۳۰/a abc	۱۴۱/۱ab	۱۴۹۸ abc	۴۱/۸۹ ab	۲۹ghi	۳۴۸۷ ab	کاشت اول * اگاهی
۳۳/۳۱abc	۱۲۳۶۰ abc	۳۳۰/۵bc	۲۲۸/۳abcd	۱۲۸ bc	۱۳۲۱abcd	۴۱/۶۱abc	۲۴ ghi	۳۳۲۰ abc	کاشت اول * ساری گل
۳۴/۴۴ab	۱۳۳۸۰ a	۴۱۹ ab	۲۴۶/۳ab	۱۴۰ b	۱۴۳۲ ab	۴۲/۱۹a	۳۳/۲۵ hi	۳۶۵۲a	کاشت اول * زرنطام
۳۰/۷۷abc	۹۶۴۴cdef	۲۵۲cde	۱۹۳/۲ cde	۱۰۱/bdef	۱۱۲۲defgh	۴۰/۲۱de	۲۷/vode	۳۷۷۸cdef	کاشت دوم * مایلولا
۳۲/۳۳ abc	۱۱۵۲۰ abcd	۳۱۲/bcd	۱۷۷/a bode	۱۰۴/۵bode	۱۲۷۲ abcde	۴۱/۱۲ bod	۲۵/۵ fig	۳۱۰۲ abcd	کاشت دوم * RGS003
۳۲/۶۹ abc	۱۰۹۱۰ abcde	۲۹۷/۵ cde	۱۷۲/۵ bode	۱۰۰/۲bdef	۱۱۷۵ cdefg	۴۰/۸۷ cd	۲۷ ef	۲۸۲۰ bcddef	کاشت دوم * اگاهی
۳۲/۴۱abc	۹۷۲۸bcdef	۲۹۲/۵ cde	۱۷۰/۵bode	۱۰۱/bdef	۱۱۵۷ cdefg	۴۰/۴۴de	۲۷/vode	۲۸۰۷cdef	کاشت دوم * ساری گل
۳۲/۹۷abc	۱۰۹۲۰ abcde	۲۰۳cde	۱۷۷/۵bode	۱۰/a bode	۱۲۱۱ bdef	۴۰/۹۵bcd	۲۵/۵fig	۲۹۴۷ bode	کاشت دوم * زرنطام
۲۸/۵۶ abcd	۸۴۲۱ efg	۲۲۵cde	۱۳۴ ef	۹۱/۵ def	۱۰۳۶ efghi	۲۸/۷۶ fg	۲۹/۲۵ bcd	۲۶۰۷ def	کاشت سوم * مایلولا
۳۰/۶۵ abc	۹۰۹۷ defg	۲۵۲/a cde	۱۶۱ cde	۹۳/۵ cdef	۱۱۱۱ defgh	۴۰/۳۵de	۲۸ de	۲۷۶۶cdef	کاشت سوم * RGS003
۳۰/۳۷abc	۸۶۶۴efg	۲۴۰/۵ cde	۱۵۲/a cde	۹۱/۵ def	۱۰۳۵ efghi	۳۹/۷۴ ef	۲۸/۲۵ cde	۲۷۰۳ cdef	کاشت سوم * اگاهی
۲۹/۷۷ abcd	۸۵۲۱ efg	۲۲۹/a cde	۱۳۷ de	۹۱/۵ def	۱۰۵۲efghi	۳۹/۶ef	۲۸/۷۵ cde	۲۶۹۷ cdef	کاشت سوم * ساری گل
۳۰/۲۷ abc	۹۰۲۹ defg	۲۵۲/a cde	۱۵۶/۵ cde	۹۲/۳cdef	۱۰۹۲ defghi	۴۰/۱۵ de	۲۸/۲۵ cde	۲۷۵۹ cdef	کاشت سوم * زرنطام
۲۰/۸۹ e	۵۱۳۷ h	۱۱۴/a f	۵۷/۲۵ f	۵۷/۵f	۶۹۰۵j	۳۶/۶۷ h	۳۲/۵ a	۱۷۰۸g	کاشت چهارم * مایلولا
۲۷/۱۱ bcde	۷۹۲۶ fg	۲۲۳ de	۱۳۱/۵ef	۸۵/۵ def	۹۸۳۷fghi	۳۸/۲۶ g	۲۹/۵bcd	۲۵۲۲ def	کاشت چهارم * RGS003
۲۵/۹۷ cde	۷۰۰۶ fgh	۲۰۵/۵ef	۱۲۸/aef	۷۸/۵ def	۸۷۲/۵hij	۳۸/۱۴g	۳۰/۲۵ bc	۲۳۲۹efg	کاشت چهارم * اگاهی
۲۲/۴ de	۶۶۷۸ gh	۲۰۰/a ef	۱۲۷ ef	۶۶/۷۵ ef	۸۳۷/۲ ij	۳۷/۹۲g	۳۱ab	۲۱۹۶efg	کاشت چهارم * ساری گل
۲۷/۰۴bcde	۷۸۲۷fgh	۲۱۵/۲ def	۱۲۹/a ef	۸۷/۵def	۹۷۸ ghij	۳۸/۱۱ g	۲۹/۷۵bcd	۲۳۳۲efg	کاشت چهارم * زرنطام

میانگین های به روش آزمون دانکن و در سطح ۵ درصد مقایسه شده اند. میانگین های داخل هر ستون که حداقل دارای یک حرف مشترک هستند، از نظر آماری اختلاف معنی داری ندارند.

مشاهده شد (جدول ۲). رقم هایولا بیشترین تعداد دانه را داشت و کمترین تعداد در رقم اکاپی ثبت شد (جدول ۴). اثر متقابل تاریخ کشت در رقم نیز در سطح احتمال ۱ درصد معنی‌دار بود (جدول ۲) و مشخص شد که تاریخ کشت اول در رقم RGS003 کمترین تعداد دانه در خورجین را داشت و بیشترین تعداد دانه در خورجین مربوط به تاریخ کشت چهارم در رقم هایولا بود (جدول ۵). تعداد دانه در خورجین با عملکرد دانه، عملکرد بیولوژیک و عملکرد روغن همبستگی مثبتی داشت (جدول ۶). از آن جایی که اجزای عملکرد بر همدیگر تأثیر گذاشته و افزایش و یا کاهش هر جزء بر اجزای دیگر موثر است (خواجه پور، ۱۳۸۵)، بنابراین به نظر می‌رسد که بیشتر بودن تعداد خورجین در تاریخ‌های کاشت زود سبب شده است که گیاه در زمان تشکیل آغازی‌های دانه با مشکل مواجه شده و در نتیجه تعداد دانه در هر خورجین کاهش یابد. اگر چه بین تعداد خورجین در بوته و تعداد دانه در خورجین با اندازه گیاه زراعی (یا ظرفیت محل اجزا)، ژنوتیپ و رقم نیز ارتباط وجود دارد (عزیزی و همکاران، ۱۳۷۸). همچنین با افزایش دما در طول دوره تشکیل خورجین و پر شدن دانه، میزان اسپمیلات‌سازی خورجین‌ها کاهش و تنفس خورجین‌ها به سرعت افزایش می‌یابد که این عمل باعث تلف شدن مواد پرورده و مواد متابولیکی ذخیره‌ای و پوکی بذرها می‌گردد (Bilsborrow and Norrton, 1991). با تأخیر در کاشت و تسریع در گلدهی، بوته‌های کلزا با سطح برگ کمتری وارد مرحله تشکیل خورجین و پر شدن دانه می‌شوند، در نتیجه تعداد دانه در خورجین کاهش می‌یابد. محدودیت منبع که در اثر اختلاف بین فتوسنتز برگ و خورجین به وجود می‌آید، باعث از دست رفتن دانه‌های در حال توسعه می‌شود (Diepenbrock, 2000). این نتایج با یافته‌های شیراسماعیلی (۱۳۷۹) مطابقت دارد. در یک رقم مشخص، هر چه تعداد خورجین در بوته افزایش یابد، از تعداد دانه

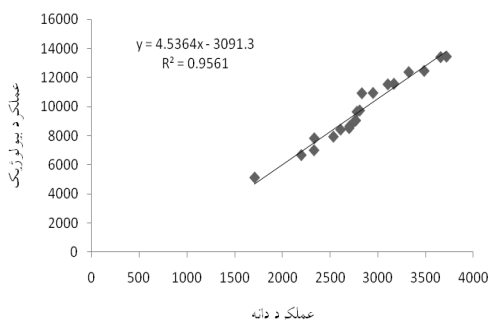
به طور مثبت تأثیر می‌گذارد. وراثت‌پذیری تعداد خورجین در بوته پائین است، زیرا این صفت اکثراً توسط شرایط محیطی تعیین می‌شود (Thurling and Vejendradas, 1979). بنابراین انتخاب بر اساس این صفت، نتایج مثبتی ندارد. محققان دیگری از جمله قدرتی و همکاران (۱۳۸۱) و Scarisbrick و همکاران (۱۹۸۱) نشان دادند که با تأخیر در تاریخ کاشت، تعداد خورجین در بوته کاهش می‌یابد. با توجه به مشاهدات Johnson و همکاران (۱۹۹۵) و Ozer (۲۰۰۳) کاهش در تعداد خورجین گیاه در تاریخ کاشت‌های دیر، عامل اصلی در کاهش عملکرد دانه می‌باشد که با نتایج حاصل از این تحقیق مطابقت دارد. گزارش شده است که بین تجمع ماده خشک در طول دوره رشد رویشی تا زمان گلدهی با تعداد خورجین در بوته رابطه خطی وجود دارد که وقوع چنین شرایطی در تاریخ کاشت‌های زود محقق می‌گردد (Diepenbrock, 2000). همچنین تعداد خورجین در بوته تحت تأثیر گل‌های بارور دانسته شده است (Ozer, 2003). اظهار شده است که کاشت دیر هنگام سبب کاهش تعداد خورجین در بوته می‌شود (Kuchtova and Vasak, 1998). گزارش شده است که کشت زود هنگام کلزا سبب تولید تعداد زیادی غلاف می‌شود که در اثر رقابت شدید بین غلاف‌ها ممکن است تعدادی از آنها ریزش کنند (Norton et al., 1991). آنها نتیجه گرفتند که در شرایط کشت زود، شانس بقای غلاف و دانه در قسمت فوقانی ساقه اصلی و شاخه‌های فوقانی بیشتر می‌باشد. از نظر تعداد دانه در خورجین، بین تاریخ کشت‌های مختلف، اختلاف معنی‌داری در سطح احتمال ۱ درصد وجود داشت (جدول ۲) به طوری که تاریخ کشت اول با میانگین ۲۹/۵۰ عدد و تاریخ کشت چهارم با ۲۴/۶۵ عدد به ترتیب بیشترین و کمترین تعداد دانه در خورجین را به خود اختصاص دادند (جدول ۳). همچنین بین ارقام مختلف، تفاوت معنی‌داری در سطح احتمال ۱ درصد

تاریخ کشت در رقم اختلاف معنی‌داری یافت نشد (جدول ۲). تاریخ کشت اول با میانگین ۳/۴۱ گرم، بیشترین وزن هزاردانه را به خود اختصاص داد و کمترین وزن هزاردانه متعلق به تاریخ کشت چهارم بود (جدول ۳). همچنین معلوم شد که وزن هزاردانه با عملکرد بیولوژیک و درصد روغن همبستگی مثبتی دارد (جدول ۶). وزن هزاردانه آخرین جزء عملکرد است که در طول نمو تعیین می‌شود. این صفت نسبت به سایر اجزای عملکرد به میزان کمتری به عوامل محیطی وابسته است. از آنجائی که وزن هزار دانه آخرین جزء عملکرد بوده و روند تغییرات آن به مقدار زیادی تحت تأثیر دیگر اجزای عملکرد قرار می‌گیرد (سرمدنیا و کوچکی، ۱۳۶۸)، بنابراین به نظر می‌رسد که تولید تعداد دانه در خورجین کمتر سبب گردیده است که مواد فتوسنتزی بیشتری برای هر دانه اختصاص یافته و در نتیجه وزن هزاردانه، بیشتر شود. گزارش شده است که بین عملکرد نهائی و وزن هزاردانه ارتباط ضعیفی وجود دارد (Diepenbrock, 2000) به نظر می‌رسد این صفت بیشتر تحت تأثیر عوامل ژنتیکی تا عوامل محیطی است. این نتایج با یافته های شیراسماعیلی (۱۳۷۹) مشابه می‌باشد. همچنین نتایج این تحقیق با یافته‌های Rao and Mendham (۱۹۹۱) نیز مطابقت داشت. آنها نتیجه گرفتند که شرایط بهتر محیطی و وجود حرارت و رطوبت مناسب در اواخر فصل رشد و طولانی شدن طول دوره پر شدن دانه سبب ایجاد دانه‌های بزرگتر و در نتیجه افزایش وزن هزاردانه می‌گردد. همچنین بالا بودن وزن هزاردانه رقم RGS003 نسبت به ارقام دیگر و پتانسیل این ژنوتیپ در تولید دانه‌های درشت‌تر که از خصوصیات مطلوب آن است، در مطالعات فرجی (۱۳۸۲) نیز گزارش شده است. از سوی دیگر اثر عوامل محیطی بر وزن هزاردانه نسبت به عامل ژنتیکی ضعیف‌تر بود. این استنباط با گزارش عزیز و همکاران (۱۳۷۸) که ارقام زودرس، وزن دانه خود را در مقابل

در خورجین کاسته می‌شود. البته افزایش تعداد خورجین در بوته، جبران کاهش تعداد دانه در خورجین را می‌کند و عملکرد را نسبت به سایر ارقام بالاتر می‌برد. همچنین نتیجه به دست آمده از این آزمایش با نتایج آزمایشات انوری (۱۳۷۵) و Rao و همکاران (۱۹۹۱) مبنی بر این‌که تعداد دانه در خورجین اکثراً تحت تأثیر عوامل ژنتیکی است و کمتر تحت تأثیر عوامل محیطی قرار می‌گیرد، موافقت ندارد. افزایش تعداد دانه در هر خورجین، یک عامل کلیدی در افزایش عملکرد ارقام جدید به شمار می‌آید (Mendham *et al.*, 1984). افزایش تعداد دانه در خورجین، محدود بوده و بیشتر بستگی به طول خورجین دارد که این صفت تحت تأثیر ساختار ژنتیکی است (Campble and Kondra, 1987). نشان داده شد که یک رابطه مستقیم بین مقدار تشعشع دریافت شده توسط هر غلاف (طی دوره تعیین دانه) و تعداد نهائی دانه در هر غلاف وجود دارد (Mendham *et al.*, 1981) اجزای عملکرد تحت تأثیر عوامل مدیریتی مانند تاریخ کاشت قرار گرفته و کاهش و یا افزایش هر جزء بر اجزای دیگر موثر است. ثابت شده است که تعداد دانه در هر غلاف با افزایش وزن خشک گیاه در زمان گلدهی افزایش پیدا می‌کند. گزارش شده است که کشت زود هنگام کلزا سبب تولید تعداد زیادی غلاف می‌شود که در اثر رقابت شدید بین غلاف‌ها ممکن است تعدادی از آنها ریزش کنند (Norton *et al.*, 1991). آنها نتیجه گرفتند که در شرایط کشت زود، امکان بقای غلاف و دانه در قسمت فوقانی ساقه اصلی و شاخه‌های فوقانی بیشتر است. هر چه تعداد دانه در خورجین بیشتر باشد، مخزن بزرگتری برای مواد فتوسنتزی تولید می‌گردد و هر عاملی که باعث افزایش این صفت شود، منجر به افزایش عملکرد دانه خواهد شد (Taylor and Smith, 1992). از نظر وزن هزاردانه بین تاریخ کشت‌های مختلف، اختلاف معنی‌داری در سطح احتمال ۵ درصد وجود داشت، اما بین ارقام مختلف و اثر

اواخر آبان و اوایل آذر باشد که سبب شده است تا گیاه، رشد رویشی سریع‌تر و بیشتری داشته و در نهایت بوته‌های قوی‌تر و با عملکرد دانه بیشتری تولید کنند. البته برای تفسیر تفاوت‌های عملکرد بذر در تاریخ‌های کاشت و ارقام مختلف باید به تغییرات اجزای عملکرد به موازات تأخیر در کاشت، همچنین تفاوت‌های ژنتیکی ارقام در این موارد توجه کرد. همان‌طور که در نتایج مربوط به اجزای عملکرد توضیح داده شد، تعداد خورجین در بوته در بین اجزای عملکرد، بالاترین همبستگی را با عملکرد نهائی نشان داد (جدول ۹). در مورد کشت دیر هنگام کلزا چنین اظهار شده است که افزایش دما در مرحله گرده‌افشانی موجب عقیمی گلچه‌ها شده و بر تلقیح اثر می‌گذارد و فرآیند گلدهی در اثر دمای زیاد، تسریع و کوتاه شده و در نهایت منجر به افت عملکرد می‌شود (Morrison *et al.*, 1989). تسریع نمو توأم با کاهش یافتن رشد گیاه در بعد از گلدهی به‌ویژه در ژنوتیپ‌های دیررس، عامل اصلی کاهش عملکرد دانه می‌باشد (Mendham *et al.*, 1990). تأخیر در کاشت، عملکرد دانه کلزا را به صورت معنی‌داری کاهش داده است (Degenhardt and Kondra, 1981). نتایج به دست آمده با نتایج Robertson و همکاران (۲۰۰۴) که نتیجه گرفتند تأخیر تاریخ کاشت باعث کاهش معنی‌دار عملکرد دانه می‌شود، مطابقت دارد. کاهش یافتن اندازه کانوپی از حد مطلوب و کوتاه شدن دوره رشد رویشی از دلایل مهم کاهش عملکرد دانه در تاریخ‌های تأخیری ذکر گردیده است (Hocking and Stapper, 2001; Diepenbrock, 2000). با توجه به مطالعات انجام شده (رودی، ۱۳۸۲). در صورت تأخیر در کاشت، کاهش عملکرد اجتناب‌ناپذیر است. گزارش شده است که عملکرد دانه به‌واسطه کاهش یافتن اندازه کانوپی از حد مطلوب و بهینه در تاریخ کاشت‌های دیرتر پائین بود (Lunn *et al.*, 2001). مطالعات Robertson و همکاران (۲۰۰۴) کاهش عملکرد

تغییر شرایط محیطی، ثابت‌تر نگه می‌دارند، مطابقت دارد. همچنین نتیجه این آزمایش با نتایج Hocking و همکاران (۲۰۰۲) و Robertson و همکاران (۲۰۰۴) که نتیجه گرفتند که تأخیر در تاریخ کاشت سبب کاهش وزن هزاردانه و عملکرد دانه می‌شود، مطابقت دارد. تأخیر در کاشت موجب می‌شود تا گرده‌افشانی و دوره پر شدن دانه در شرایطی که درجه حرارت محیط گرم‌تر است، صورت گیرد و در نتیجه طول دوره پر شدن و وزن هزاردانه کاهش خواهد یافت (Scarisbrick *et al.*, 1981). اثر رقم و تاریخ کشت بر عملکرد دانه، در سطح احتمال ۵ درصد معنی‌دار بود (جدول ۲)، به‌طوری‌که تاریخ کشت اول با میانگین ۳۱۹۸ کیلوگرم در هکتار و تاریخ کشت چهارم با مقدار ۲۲۹۳ کیلوگرم در هکتار به ترتیب بیشترین و کمترین عملکرد دانه را به خود اختصاص دادند (جدول ۳). همچنین بین ارقام نیز اختلاف معنی‌داری در سطح احتمال ۵ درصد وجود داشت، به گونه‌ای که رقم RGS003 با میانگین ۳۱۶۱ کیلوگرم در هکتار بیشترین عملکرد دانه را داشت و کمترین عملکرد دانه در رقم هایولا مشاهده شد (جدول ۴). اثر متقابل تاریخ کشت در رقم نیز در سطح احتمال ۵ درصد اختلاف معنی‌داری را نشان داد. تیمار مربوط به تاریخ کشت اول در رقم RGS003 و زرفام بیشترین عملکرد دانه را نشان دادند و کمترین عملکرد دانه مربوط به تاریخ کشت چهارم در رقم هایولا با مقدار ۱۷۰۸ کیلوگرم در هکتار بود (جدول ۵). همچنین مشخص شد که عملکرد دانه با عملکرد بیولوژیک همبستگی مثبتی دارد (جدول ۶). بر این اساس تأخیر در کاشت کلزا موجب کاهش عملکرد دانه می‌گردد. لذا دست‌یابی به تاریخ کاشت مناسب باعث می‌شود که گیاه از آب و مواد غذایی بیشتری استفاده نماید و فرصت کافی جهت تکمیل کلیه مراحل رشد خود را داشته باشد. به نظر می‌رسد دلیل اصلی افزایش عملکرد دانه در تاریخ‌های کاشت زود، مساعد بودن درجه حرارت هوا در



شکل ۱- بررسی رابطه رگرسیونی بین عملکرد دانه و عملکرد بیولوژیک ارقام کلزا در تاریخ کاشت‌های متفاوت

اثر رقم و تاریخ کاشت بر شاخص برداشت معنی‌دار نبود (جدول ۲). همچنین بین تاریخ کاشت‌های مختلف و همچنین بین ارقام، اختلاف معنی‌داری وجود نداشت (جدول ۳ و ۴)، اما اثر متقابل تاریخ کشت در رقم در سطح احتمال ۵ درصد معنی‌دار بود (جدول ۲). تاریخ کشت اول در رقم RGS003 با ۳۴/۸۷ درصد بیشترین شاخص برداشت را داشت و کمترین شاخص برداشت با ۲۰/۸۹ درصد در تاریخ کشت چهارم در رقم هایولا مشاهده شد (جدول ۵). به نظر می‌رسد که کاشت به موقع در ابتدای فصل سبب خواهد شد تا بوته‌ها ضمن استقرار مناسب، از ذخیره کافی مواد غذایی برخوردار شوند و قدرت بقای گیاه در زمستان افزایش یابد. از طرفی، ماده خشکی که در طول دوره رشد رویشی در اندام‌های گیاه تجمع می‌یابند، در انتهای فصل رشد که شرایط نامناسب حرارتی مانع از تولید اسیمیلات کافی می‌شود، در مرحله پر شدن دانه‌ها نقش مهمی در افزایش وزن دانه دارند. شاخص برداشت در گونه‌های روغنی جنس براسیکا در مقایسه با سایر گیاهان زراعی مانند غلات نسبتاً پایین است (احمدی و جاویدفر، ۱۳۷۷). برخی از محققین کاهش شاخص برداشت را در اثر تأخیر در تاریخ کاشت گزارش کرده‌اند (Fathi et al., 2003). همچنین کاهش شاخص برداشت در کشت‌های تأخیری به کوتاه شدن

دانه در تاریخ کاشت تأخیری را به کاهش در زیست توده در زمان رسیدگی مرتبط کرد. آنها بیان داشتند که تأخیر در کاشت کلزا موجب می‌شود تا مراحل حساس گلدهی و پر شدن دانه با خشکی و گرمای آخر فصل برخورد کند و در نتیجه عملکرد دانه کاهش یابد. اثر رقم و تاریخ کشت بر عملکرد بیولوژیک، در سطح احتمال ۵ درصد معنی‌دار بود (جدول ۲) و مقایسه داده‌ها نشان داد که بیشترین عملکرد بیولوژیک با ۱۰۸۵۰ کیلوگرم در هکتار مربوط به تاریخ کشت اول بود و تاریخ کشت چهارم با ۷۰۶۲ کیلوگرم در هکتار کمترین عملکرد بیولوژیک را به خود اختصاص داد (جدول ۳). همچنین بین ارقام، تفاوت‌ها در سطح احتمال ۵ درصد معنی‌دار بود و رقم RGS003 با ۱۱۷۴۰ کیلوگرم در هکتار بیشترین عملکرد بیولوژیک را داشت و کمترین عملکرد بیولوژیک مربوط به رقم هایولا با ۸۲۷۳ کیلوگرم در هکتار بود (جدول ۴). اثر تاریخ کشت بر رقم در سطح احتمال ۵ درصد تفاوت معنی‌داری را داشت، به طوری که تاریخ کشت اول در رقم RGS003 با ۱۳۴۲۰ کیلوگرم در هکتار بیشترین عملکرد بیولوژیک را به خود اختصاص داد و کمترین مقدار در تیمار با ۵۱۳۷ کیلوگرم در هکتار مربوط به تاریخ کشت چهارم در رقم هایولا بود (جدول ۵). همچنین مشخص شد که یک رابطه خطی بین عملکرد بیولوژیک و عملکرد دانه وجود دارد (شکل ۱). تأخیر در کاشت کلزا موجب کاهش وزن خشک کلزا شد. تاریخ کاشت مناسب سبب می‌شود که گیاه از آب و مواد غذایی بیشتری استفاده نماید و فرصت کافی جهت تکمیل کلیه مراحل رشد رویشی و زایشی خود را داشته باشد. البته دلیل اصلی افزایش عملکرد بیولوژیک در تاریخ‌های کاشت زود، ممکن است مربوط به مساعد بودن درجه حرارت هوا در اوایل رشد باشد که سبب شده است تا گیاه، رشد رویشی سریع‌تر و بیشتری داشته و در نهایت، بوته‌های قوی‌تر و با عملکرد بیولوژیک بیشتری تولید کنند.

جدول ۶- ضریب همبستگی پیرسون بین ویژگی های مختلف مورد ارزیابی در ارقام مختلف کلزا در تاریخ کاشت های متفاوت

صفات	X ₁	X ₂	X ₃	X ₄	X ₅	X ₆	X ₇	X ₈	X ₉	X ₁₀
X ₁	۱	۰/۵۲**	۰/۷۸**	۰/۲۱ ^{ns}	۰/۲۷*	۰/۶۶**	۰/۱۷ ^{ns}	۰/۷۲**	-۰/۳۵**	۰/۶۶**
X ₂		۱	۰/۹۴**	۰/۱۹ ^{ns}	۰/۲۹**	۰/۷۲**	۰/۰۲ ^{ns}	۰/۷۵**	-۰/۳**	۰/۷**
X ₃			۱	۰/۲۳*	۰/۳۳**	۰/۷۹**	۰/۰۸ ^{ns}	۰/۸۴**	-۰/۳۶**	۰/۷۷**
X ₄				۱	۰/۱۸ ^{ns}	۰/۲۲*	۰/۴۴**	۰/۳۴**	-۰/۲۱ ^{ns}	۰/۲۸*
X ₅					۱	۰/۴۱**	۰/۱۹ ^{ns}	۰/۳۴**	-۰/۱ ^{ns}	۰/۴۳**
X ₆						۱	۰/۱۶ ^{ns}	۰/۷۳**	-۰/۰۰۷ ^{ns}	۰/۹۹**
X ₇							۱	۰/۱۹ ^{ns}	-۰/۰۹ ^{ns}	۰/۳۲**
X ₈								۱	-۰/۶۷**	۰/۷۲**
X ₉									۱	-۰/۰۱ ^{ns}
X ₁₀										۱

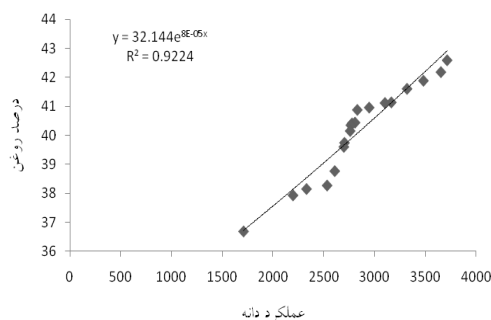
X₁: تعداد خورجین در ساقه اصلی، X₂: تعداد خورجین در ساقه فرعی، X₃: تعداد کل خورجین، X₄: وزن هزار دانه، X₅: تعداد دانه در کپسول، X₆:

عملکرد دانه، X₇: درصد روغن، X₈: وزن خشک در هکتار، X₉: شاخص برداشت، X₁₀: عملکرد روغن

** اختلاف بسیار معنی دار * اختلاف معنی دار ^{ns} عدم وجود اختلاف معنی دار

محسوب می‌شود و با افزایش دما در مرحله تکامل دانه، میزان روغن کاسته می‌شود (Cattivelli et al., 1999). با تأخیر در تاریخ کاشت، اگر چه طول دوره رویش کاهش یافته بود، ولی تاریخ رسیدگی فیزیولوژیک و در نتیجه تاریخ برداشت، دیرتر شده و در نتیجه با دماهای بالاتری مصادف شد. هر چه دمای محیط در طول دوره پر شدن دانه، زیادتر و طول این مرحله کوتاه‌تر شود، درصد روغن، کاهش بیشتری نشان می‌دهد. با تأخیر در کاشت، هم طول دوره پر شدن دانه کوتاه‌تر می‌شود و هم دما در این مرحله افزایش می‌یابد. بنابراین درصد روغن، کاهش نشان می‌دهد. کاهش درصد روغن دانه با تأخیر در کاشت توسط Mailer and Cornish (۱۹۸۷) نیز پیشنهاد شده است. به اعتقاد Tayo and Morgan (۱۹۷۹) شرایط بهتر محیط در آخر فصل شامل دمای متوسط و آب کافی موجب می‌شود تا دانه‌ها بزرگتر و مقدار روغن آنها نیز افزایش یابد. در آزمایش‌های عرب اول و همکاران (۱۳۷۹) به تأثیر دمای پائین در دوره رشد اولیه بر میزان روغن دانه تأکید شده و اظهار داشته‌اند که کشت دیرهنگام ارقام کلزا باعث برخورد دوره رسیدگی دانه با دماهای بالاتر در تابستان می‌گردد و از درصد روغن کاسته شده

دوره رشد رویشی کلزا متناسب شده است، به گونه‌ای که عملکرد دانه بالقوه کلزا در وهله اول از تاریخ کاشت‌های زودهنگام به دست می‌آید (Hocking and Stapper, 2001). مشاهده شده است که عملکرد دانه کلزا رابطه قوی با ماده خشک اندام‌های هوایی بعد از گرده‌افشانی و شاخص برداشت دارد (Gunasekera et al., 2006). در تاریخ کشت‌های متفاوت در سطح احتمال ۱ درصد اختلاف معنی‌داری وجود داشت (جدول ۲)، به طوری که مقایسه بین این تاریخ کشت‌ها نشان داد که تاریخ کشت اول با میانگین ۴۱/۲۸ درصد بیشترین و کمترین درصد روغن مربوط به تاریخ کشت چهارم با میانگین ۳۸/۲۸ درصد بود (جدول ۳). اختلاف بین ارقام نیز در درصد روغن در سطح ۵ درصد معنی‌دار بود (جدول ۲)، به طوری که رقم RGS003 با ۴۰/۳۵ درصد روغن، بیشترین و کمترین درصد روغن به رقم هایولا اختصاص داشت (جدول ۴). همچنین اثر تاریخ کشت در رقم در سطح ۵ درصد معنی‌دار بود (جدول ۲) و رقم‌های RGS003 و زرفام با میانگین ۴۲ درصد بیشترین درصد روغن را در تاریخ کاشت اول داشتند (جدول ۵). از بین عوامل محیطی که بر میزان روغن دانه کلزا اثر دارند، دما مهمترین عامل



شکل ۲- بررسی رابطه رگرسیونی بین عملکرد دانه و درصد روغن ارقام کلزا در تاریخ کاشت‌های متفاوت

بین داده‌ها رقم RGS003 با میانگین ۱۲۶۷ کیلوگرم در هکتار بیشترین عملکرد روغن را به خود اختصاص داد و رقم هایولا کمترین عملکرد را شامل خود کرد (جدول ۴). اثر تاریخ کشت در رقم نیز در سطح احتمال ۵ درصد تفاوت معنی‌داری را نشان داد (جدول ۲). رقم RGS003 در تاریخ کشت اول بیشترین عملکرد روغن را داشت و کمترین مقدار در تیمار مربوط به تاریخ کشت چهارم در رقم هایولا با میانگین ۶۹۰/۵ کیلوگرم در هکتار بود (جدول ۵). همچنین مشخص شد که عملکرد روغن با عملکرد دانه، عملکرد بیولوژیک و اجزای عملکرد همبستگی مثبتی دارد (جدول ۶). با توجه به اینکه عملکرد روغن تابعی از درصد روغن و عملکرد دانه می‌باشد، با تغییر در میزان درصد روغن و عملکرد دانه، عملکرد روغن مستقیماً تحت تأثیر قرار می‌گیرد. همبستگی بین این دو صفت در کلزا توسط برخی از محققین نیز گزارش شده است (ایلکائی و امام، ۱۳۸۲؛ یعقوبی، ۱۳۸۴). عملکرد روغن به تبعیت از عملکرد دانه تحت تأثیر تیمارهای مختلف تاریخ کاشت قرار گرفت که مطابق با نتایج سایر محققان بود (راهنما، ۱۳۸۴؛ سامانی، ۱۳۸۰؛ Alberta, 2003). تأخیر در کاشت موجب می‌شود تا مراحل حساس گلدهی و پر شدن دانه با گرمای آخر

است. آنها نتیجه گرفتند که تنش اواخر فصل رشد می‌تواند موجب کاهش درصد روغن کلزا شود. الگوی تجمع روغن و گلوکوزینولات بسته به شرایط آب و هوایی متفاوت است (Fieldsend *et al.*, 1991). روغن با ارزش‌ترین جزء دانه بوده و ترکیب روغن دانه به صورت ژنتیکی توسط جنین تعیین می‌شود. نتایج مشابهی در خصوص کاهش درصد روغن (۱/۷٪) به ازاء هر درجه سانتی‌گراد افزایش درجه حرارت در زمان گلدهی و پر شدن دانه گزارش شده است (Robertson *et al.*, 2004). تاریخ کاشت بر درصد روغن دانه تأثیر معنی‌داری داشت و تأخیر در کاشت باعث کاهش عملکرد شد (MacKinnon and Fettell, 2003). چنین نتایجی توسط Christmas (۱۹۹۶) نیز گزارش شده است. تغییرات درصد روغن ارقام کلزا در واکنش به تاریخ کاشت به شاخص برداشت، اندازه دانه و درجه حرارت طی دوره گلدهی ارتباط داده شده است (Robertson *et al.*, 2004). با استفاده از اطلاعات جمع‌آوری شده و یک مدل شبیه‌سازی شده، Farre و همکاران (۲۰۰۲) نیز واکنش عملکرد دانه و روغن کلزا را ناشی از سه عامل طول مراحل رشدی گیاه، درجه حرارت و میزان بارندگی در مرحله گلدهی دانستند. در این آزمایش نیز مشاهده شد که بین درصد روغن و عملکرد دانه رابطه نمایی وجود دارد (شکل ۲).

بین تاریخ کشت‌های مختلف در عملکرد روغن در سطح احتمال ۵ درصد تفاوت معنی‌داری مشاهده شد (جدول ۲) و در تاریخ کشت اول بیشترین عملکرد روغن با میانگین ۱۲۹۵ کیلوگرم در هکتار مشاهده شد و کمترین عملکرد در تاریخ کشت چهارم با میانگین ۸۷۵ کیلوگرم در هکتار رویت گردید (جدول ۳). بین ارقام نیز از نظر عملکرد روغن اختلاف معنی‌داری در سطح احتمال ۵ درصد وجود داشت (جدول ۲)، به طوری که در مقایسه

فصل بر خورد کند و عملکرد روغن کاهش یابد که با نتایج Robertson and Holand (۲۰۰۴) مطابقت دارد.

نتیجه گیری:

با توجه به نتایج به دست آمده، کاشت به موقع در ابتدای فصل (اواخر شهریور) سبب خواهد شد تا بوته‌ها ضمن استقرار مناسب، از ذخیره کافی مواد غذایی برخوردار شوند و قدرت بقای گیاه در زمستان افزایش یابد. از طرفی ماده خشکی که در طول دوره رشد رویشی در اندام‌های گیاه تجمع می‌یابند، در انتهای فصل رشد که شرایط نامناسب حرارتی مانع از تولید اسیمیلات کافی می‌شود، در مرحله پر شدن دانه‌ها نقش مهمی در افزایش وزن دانه دارند. استفاده از ارقام آزاد گرده‌افشان مانند RGS003 به دلیل این که از دوره گلدهی بیشتری در مناطق خشک برخوردارند، سبب خواهد شد تا در دوره گلدهی از عوامل محیطی موثر (درجه حرارت و رطوبت) در افزایش اجزای عملکرد، بیشترین استفاده را داشته باشند.

منابع:

آروین، پ. و عزیزی، م. (۱۳۸۸) مقایسه عملکرد، شاخص برداشت و صفات مرفولوژیک در گونه‌های بهاره کلزا. مجله الکترونیک تولید گیاهان زراعی، ۲: ۱-۱۴.

احمدی، م. ر. (۱۳۷۸) کیفیت و کاربرد دانه‌های روغنی. نشر آموزش کشاورزی کرج، تهران.

احمدی، م. ر. و جاویدفر، ف. (۱۳۷۷) تغذیه گیاه روغنی کلزا. ترجمه. شرکت سهامی خاص توسعه کشت دانه‌های روغنی، تهران.

انوری، م. ت. (۱۳۷۵) مطالعه اثر تاریخ کاشت بر عملکرد و اجزای عملکرد ارقام کلزای پائیزه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زراعت، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، تهران، ایران.

ایلکائی، م. ن. و امام، ی. (۱۳۸۲) تأثیر تراکم بوته بر عملکرد و اجزای عملکرد دو رقم کلزای زمستانه. مجله علوم کشاورزی ایران، ۳۴: ۵۱۵-۵۰۹.

پورعیسی، م.، نبی‌پور، م. و مامقانی، ر. (۱۳۸۶) برخی ویژگی‌های فنولوژیک ارقام کلزا در چهار تاریخ کاشت و همبستگی آنها با عملکرد و اجزای عملکرد دانه. مجله علمی کشاورزی ۳۰: ۶۲-۵۱.

خواجه پور، م. ر. (۱۳۸۵) تولید نباتات صنعتی. انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه صنعتی اصفهان، اصفهان.

راهنما، ع. ا. (۱۳۸۴) عکس‌العمل ارقام کلزا به کشت تأخیری در مناطق گرم جنوب و ارزیابی اقتصادی آن. گزارش سالانه مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان.

رودی، د. (۱۳۸۲) بررسی امکان کاشت زمستانه ارقام بهاره کلزا در کرج. موسسه تحقیقات اصلاح و تهیه نهال و بذر کرج.

زاهدی، ع. (۱۳۸۳) کلزا در ایران و کانادا. مجله سنبله ۱۳۳: ۳۰-۲۸.

سامانی، م. (۱۳۸۰) مطالعه اثر تاریخ کاشت بر عملکرد و اجزای عملکرد ارقام کلزا. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زراعت، دانشگاه آزاد جیرفت، جیرفت، ایران.

سرمندیا، غ. و کوچکی، ع. (۱۳۶۸) فیزیولوژی گیاهان زراعی. انتشارات جهاد دانشگاهی، مشهد.

شیراسماعیلی، غ. ح. (۱۳۷۹) مقایسه عملکرد و اجزای عملکرد در تاریخ‌های مختلف کاشت در اصفهان. چکیده مقالات هفتمین کنگره زراعت و اصلاح نباتات ایران. موسسه تحقیقات اصلاح و تهیه نهال و بذر کرج، کرج، ایران.

عرب‌اول، م.، کامبوزیا، ج.، رضائی، ع. و ابراهیمی، م. (۱۳۷۹) بررسی اثر تاریخ کاشت بر برخی خصوصیات فیزیولوژیک و عملکرد چند رقم کلزا در منطقه

- Al-Barrak, K. M. (2006) Irrigation interval and nitrogen level effects on growth and yield of canola (*Brassica napus* L.). Scientific Journal of King Faisal University. Al-Hassa, Saudi Arabia, 7: 87-102.
- Alberta. 2003. Alternative date seedling of spring canola. Available online at: <http://www.Agric.Gor.Ab.Ca/agdes>. Accessed 25 april 2010.
- Bilsborrow, P. E. and Norrton, G. (1991) A consideration of factors affecting the yield of oilseed rape. *Aspects Applied Biology* 6: 91-99.
- Campble, D. C. and Kondra, Z. P. (1987) Relationships among growth patterns yield components and yield of rapeseed. *Canadian Journal of Plant Science* 58: 87-93.
- Cattivelli, L., Baldi, P., Crosatti, C., Grossi, M., Valo, G. and Tanca, A. M. (1999) Genetic bases of barley physiological response to stressful conditions. In: *Barley science: Recent advances from molecular biology to agronomy of yield and quality*. Slafer, G. A. ed. Special issue of the journal of crop production. Published by food product press. New York. USA.
- Chen, C., Jackson, G., Neill, K., Wichman, D., Johnson, G. and Johnson, D. (2005) Determining the feasibility of early seeding canola in the Northern Great plains. *Agronomy Journal* 97:1252-1262.
- Christmas, E. P. (1996) Evaluation of planting date for winter canola production in Indiana. In: J. Janie (ed.). *Progress in new crops*. pp: 278-281.
- Degenhardt, D. F. and Kondra, Z. P. (1981) The influence of seeding date and seeding rate on seed yield and yield components of five genotypes of *Brassica napus* L. *Canadian Journal of Plant Science* 61: 175-183.
- Diepenbrock, W. (2000) Yield components of winter oilseed rape (*Brassica napus* L.): A review. *Field crops Research* 67: 35-49.
- Evans, E. J. (1984) Pre-anthesis growth and its influence on seed yield in winter oilseed rape. *Aspects Applied Biology* 6: 81-90.
- Farre, I. M., Robertson, J., Walton, G. H. and Asseng, S. (2002) Simulating phenology خوزستان. ششمین کنگره زراعت و اصلاح نباتات، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران.
- عزیزی، م.، سلطانی ا. و خاوری، س. (۱۳۷۸) کلزا (فیزیولوژی، زراعت، به‌نژادی، تکنولوژی زیستی). انتشارات جهاد دانشگاهی، مشهد.
- فرجی، ا. (۱۳۸۲) اثر تاریخ کاشت و تراکم بوته بر ارقام کلزا. *مجله علوم زراعی ایران* ۵: ۷۳-۶۴.
- فرجی، ا.، لطیفی، ن.، سلطانی، ا. و شیرانی‌راد، ا. ح. (۱۳۸۷) اثر تاریخ کاشت و آبیاری تکمیلی بر تجمع ماده خشک، عملکرد و شاخص برداشت دو رقم کانولا. *مجله علوم کشاورزی و منابع طبیعی* ۱۵: ۲۲-۳۴.
- فنائی، ح.، گلوی، م.، قنبری بنجار، ا.، سلوکی، م. و ناروئی‌راد، م. ر. (۱۳۸۷). اثر تاریخ کاشت و میزان بذر بر عملکرد و اجزای عملکرد دانه دو رقم کلزا در شرایط منطقه سیستان. *مجله علوم زراعی ایران* ۳۰: ۱۰-۱۵.
- قدرتی، غ.، فناپی، ح.، عسگری، ع.، کازرانی، ن. و سامانی، م. (۱۳۸۱). بررسی و مقایسه عملکرد ارقام جدید بهاره کلزا. مرکز تحقیقات کشاورزی، طرح پژوهشی، تهران، ایران.
- ملکوتی، م. ج. (۱۳۷۹) کشاورزی پایدار و افزایش عملکرد و بهینه‌سازی مصرف کود در ایران. نشر آموزش کشاورزی، کرج.
- یعقوبی، س. ر. (۱۳۸۴) تعیین دوره بحرانی کنترل علف‌های هرز کلزای پائیزه در منطقه غرب تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زراعت، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی مازندران، مازندران، ایران.
- Abuzeid, A. E. and Wilcokson, S. J. (1989) Effect of sowing date, plant density and year on growth and yield of Brussels sprouts (*Brassica oleracea* L.). *Journal of Agricultural Science Cambridge* 112: 359-375.

- concentration of canola (*Brassica napus* L.). Thirteenth Biennial Australian Research Assembly on Brassicas. Proceedings of a conference, Tamworth, New South Wales, Australia.
- Mailer, R. J. and Cornish, P. S. (1987) Effect of water stress on glucosinolate and oil concentrations in the seeds of rape (*B. napus*) and turnip rape (*B. rapa*). Australian Journal of Experimental Agriculture 27: 707-711.
- Mendham, N. J. M., Russel, J. and Buzza, G. C. (1984) The contribution of seed survival to yield in new Australian cultivars of oilseed rape. Journal of Agricultural Sciences 103: 303-316.
- Mendham, N. J. M., Russel, J. and Jarosz, N. K. (1990) Response to sowing time of three contrasting Australian cultivars of oilseed rape. Journal of Agricultural Science, Cambridge, 114: 275-283.
- Mendham, N. J., Shipway, P. A. and Scott, R. K. (1981) The effects of delayed sowing and weather on growth, development and yield of winter oil-seed rape (*Brassica napus* L.). Journal of Agricultural Science Cambridge 96: 389-416.
- Morrison, M. J., McVetty, D. B. E. and Shaykewich, C. F. (1989) The determination and verification of a baseline temperature for the growth of westar summer rape. Canadian Journal of Plant Science 65: 455-464.
- Norton, G., Bilsborrow, P. E. and Shipway, P. A. (1991) Comparative physiology of divergent types of winter rapeseed. Organizing Committee, Saskatoon. 578-582.
- Omidi, H., Tahmasebi, Z., Torabi, H. and Miransari, M. (2008) Soil enzymatic activities and available P and Zn as affected by tillage practices, canola (*Brassica napus* L.) cultivars and planting dates. European Journal of Soil Biology 44: 443-450.
- Ozer, H. (2003) Sowing date and nitrogen rate effects on growth, yield components of two summer rapeseed cultivars. European Journal of Agronomy 19: 453-463.
- Pavlista, A. D., Isbell, T. A., Baltensperger, D. D. and Hergert G. W. (2011) Planting date and yield response of canola to sowing date in Western Australia. Australian Journal of Agricultural Research 53: 1155-1164.
- Fathi, G., Siadat, S. A. and Hemaiaty, S. S. (2003). Effect of sowing date on yield and yield components of three oilseed rape varieties. Acta Agronomica Hungarica 51: 249-255.
- Fieldsend, J. K., Murray, F. E., Bilsborrow, P. E., Milford, G. F. J. and Evans, E. J. (1991) Rapeseed (*Brassica napus*). Organizing Committee, Saskatoon, pp. 686-694.
- Gunasekera, P. C., Martin, L. D., Shddque, K. H. M. and Walton, G. H. (2006) Genotype by environment interaction of Indian mustard (*Brassica juncea* L.) and canola (*B. napus* L.) in Mediterranean type environments. European Journal of Agronomy 25: 1-12.
- Hocking, P. J., Kirkegaard, A., Angus, J. F., Bernardi, A. and Mason, L. M. (2002) Comparison of canola, Indian mustard and Lionola in two contrasting environments. III. Effect of nitrogen fertilizer on nitrogen uptake by plants and on soil nitrogen extraction. Crop Science 79: 153-172.
- Hocking, P. J. and Stapper, M. (2001) Effects of sowing time and nitrogen fertilizer on canola and wheat, and nitrogen fertilizer on Indian mustard. I. Dry matter production, grain yield, and yield components. Australian Journal of Agricultural Research 52: 623-634.
- Johnson, B. L., McKay, K. R., Schneiter, A. A., Hanson, B. K. and Schatz, B. G. (1995) Influence of planting date on canola and crambe production. Journal of Production Agriculture 8: 594-599.
- Kuchtova, P. and Vasak, P. J. (1998) Dynamics in creation and reduction of generative organs on winter rapeseed. Rosling olesite 19: 437-446.
- Lunn, G. D., Spink, J., Stores, H., Clare, D. T., Wade, R. W. A. and Scott, R. K. (2001) Canopy management in winter oilseed rape. Project report NO.OS47. Home Grown Cereals Authority, London.
- Mac Kinnon, G. C. and Fettell, N. A. (2003) The effect of sowing time, supplementary water and variety on yield and oil

- mustard to sowing date in the grain belt of north-eastern Australia. *Australian Journal of Experimental Agriculture* 44: 43-52.
- Scarbrick, D. H., Daniels, R. W. and Alcock, M. (1981) The effect of sowing date on the yield and yield components of spring oilseed rape. *Journal of Agricultural Science* 97: 189-195.
- Si, P. and Walton, H. (2004) Determinants of oil concentration and seed yield in canola and Indian mustard in the lower rainfall areas of Western Australia. *Australian Journal of Experimental Agriculture* 55: 367-377.
- Taylor, A. J. and Smith, C. J. (1992) Effect of sowing date and seeding rate on yield and yield components of irrigated canola (*Brassica napus* L.) growing on a red-burn earth in south-eastern Australia. *Australian Agricultural Research* 43: 1858-1863.
- Tayo, T. O. and Morgan, D. G. (1979) Factors influencing flower and pod development in oilseed rape (*Brassica napus* L.). *Journal of Agricultural Science, Cambridge* 92: 363-373.
- Thurling, N. and Vejendradas, L. D. (1979) The relationship between preanthesis development and seed yield of spring rape (*Brassica napus* L.). *Australian Journal of Agricultural Research* 31: 25-36.
- and development of spring-seeded irrigated canola, brown mustard and camelina *Industrial Crops and Products* 33: 451-456.
- Pavlista, A. D., Santra, D. K., Isbell, T. A., Baltensperger, D. D., Hergert, G. H., Krall, J., Mesbach, A., Johnson, J. O., Neil, M., Aiken, R. and Barada, A. (2010) Adaptability of irrigated spring canola (*Brassica napus*) oil production to the US High Plains. *Industrial Crop Products*, in press, doi:10.1016/j.indcrop.2010.10.005.
- Rao, M. S. S. and Mendham, N. J. (1991) Comparison of chinoll (*B. campestris*, *B. olerifera* subsp. *Chinensis*) and *B. napus* oilseed rape using different growth regulators, plant population densities and irrigation treatment. *Journal of Agricultural Science, Cambridge*, 117: 177-187.
- Rao, M. S. S., Mendham, N. J. and Buzza, G. C. (1991) Effect of the apetalous flower oilseed rape (*Brassica napus* L.). *Journal of Agricultural Sciences Cambridge* 117: 189-196.
- Robertson, M. J. and Holand, J. F. (2004) Indian mustard to sowing date in the grain belt of north-eastern Australia. *Australian Journal of Experimental Agriculture* 44: 43-52.
- Robertson, M. J., Holand, J. F. and Bambach, R. (2004) Response of canola and Indian

Effect of planting date on yield physiology of different rapeseed (*Brassica napus L.*) cultivars in Varamin region, Iran

Seyed Mohammad Reza Ehteshami^{*1}, Arash Tehrani Aref² and Basir Samadi³

¹ Department of agronomy and plant breeding, College of Agricultural, University of Guilan, Guilan, Iran, ² Department of agronomy, Islamic Azad University, Branch of Rudehen,

³ Researchers, Agriculture and Natural Resources Research Center of Tehran

*Corresponding Author: Smrehteshami@guilan.ac.ir

Abstract:

This research was conducted to investigate the effect of sowing date on growth and yield of five rapeseed (*Brassica napus L.*) cultivars. The experimental design consisted of four randomized complete blocks (CRDB) in a split-plot arrangement. Four conventional sowing dates (11 September, 27 September, 12 October and 27 October) as main plots and five rapeseed cultivars (RGS003, HAYOLA401, OKAPI, SARIGOL and ZARFAM) as sub-plots were evaluated. Traits evaluated included number of silique per main and secondary stems, grain yield, number of seed per silique, 1000-grain weight, biological yield, oil yield, oil content and harvest index. Sowing date had significant effect on all of the characteristics except for number of silique per secondary stem and harvest index. Cultivar also had significant effect on all of the characteristics except for 1000-grain weight and harvest index. Results showed that delayed sowing date left significant negative impacts on all of the characteristics except for number of seed per silique. Among the cultivars investigated, the highest and the lowest grain yield belonged to RGS003 and HAYOLA401, respectively. Results showed that the optimum sowing date for fall cropping of rapeseed in Varamin region was September. Also the best yielding cultivar for this area was RGS003.

Key words: Cultivar, Rapeseed, Oil, Sowing date, Yield.